

اختلافات میان چین و ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی ۲۰۱۷-۲۰۰۹

محمد رضا دهشیری^۱ - شایان جوزانی کهن^۲ - شاهین جوزانی کهن^۳

دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۳۰

چکیده

چین با دارا بودن قدرت اقتصادی چشمگیر، زیرساخت‌ها و تجهیزات نظامی گسترده، قدرت سیاسی و تأثیرگذاری بر کشورهای منطقه آسیای شرقی، بیشترین ظرفیت را برای زیر سؤال بردن سیاست‌های ایالات متحده، در منطقه آسیای شرقی دارد. در سال‌های اخیر نوسازی نظامی چین در کنار رشد اقتصادی این کشور تداوم یافته است. کاهش تمرکز ایالات متحده بر منطقه آسیای شرقی در دوران ریاست جمهوری «جورج دبلیو بوش»، موجب گسترش نفوذ چین در منطقه آسیای شرقی و افزایش منافع و تعاملات گسترده اقتصادی با کشورهای منطقه شد. با روی کار آمدن اوباما و اتخاذ سیاست "چرخش به سوی آسیا" اختلافات واشنگتن و پکن افزایش یافت. در پاسخ به این سؤال که «اختلافات موجود بین چین و ایالات متحده چه تأثیری بر روابط دو کشور گذاشته است؟» نگارندگان معتقدند که اختلافات سیاسی، اقتصادی و امنیتی - نظامی بویژه در دوره ریاست جمهوری اوباما موجب افزایش تنش در منطقه و روابط بین‌المللی دو کشور در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی - نظامی شد. در این مقاله اختلافات میان چین و ایالات متحده در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و امنیتی، تبیین می‌شود که موجب افزایش تنش در روابط دو کشور نیز شده است.

واژگان کلیدی: آسیای شرقی، اوباما، چین، دریای جنوبی چین و ایالات متحده آمریکا.

۱. دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول)

mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش آسیای شرقی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه،

shayanjozani@gmail.com

تهران، ایران

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش آسیای غربی (خاورمیانه) و شمال آفریقا دانشکده روابط بین‌الملل

jozanikohanshahin@gmail.com

وزارت امور خارجه، تهران، ایران

بیان مسئله

در طول تاریخ ایالات متحده، سه دسته منافع اصلی مرتبط با آسیا را دنبال کرده است. اول، ایالات متحده همواره به دنبال حفظ منافع امنیتی خود و کشورهای همسایه با سیاست‌های خود در منطقه آسیای شرقی بوده است. دوم، ایالات متحده سعی در گسترش تجارت و فرصت‌های اقتصادی داشته تا حضور خود را در این منطقه پررنگ‌تر کند. سوم، ایالات متحده حامی گسترش هنجارهای خود در منطقه بوده است. این سه دسته، منافع بلند مدت ایالات متحده در تعامل با آسیای شرقی را در طول سال‌ها است (Green, 2016: 10).

به طور کلی ایالات متحده آمریکا در مواردی از قبیل: ادعاهای سرزمینی که چین در دریای جنوبی و شرقی خود دارد؛ تغییرات اقلیمی؛ نوسازی ارتش و افزایش بودجه‌ی نظامی چین؛ ساخت جزایر مصنوعی که چین در دریای جنوبی خود داشته؛ عملکرد چین در فضای سایبری؛ حقوق بشر؛ حمایت چین از کره شمالی؛ تهدید چین علیه تایوان و فرآیند دموکراسی‌سازی چین اختلافاتی با این کشور دارد.

ایالات متحده به شدت معتقد است که یک پاسخ واحد در زمینه اینک، آیا چین مایل به پیوستن به نظم بین‌المللی غالب کنونی است یا خیر، وجود ندارد. از لحاظ تاریخی، چین و آمریکا در مورد چگونگی توصیف آینده نظم منطقه‌ای در آسیا اختلاف نظر جدی دارند (Green, Bush and Rapp-Hooper, 2017: 20).

چین نیز بر سر مداخله ایالات متحده در امور داخلی این کشور بویژه منطقه تبت، دامن زدن به نظامی‌گری در منطقه، فروش تسلیحات به تایوان، مداخله در مناقشات سرزمینی به نفع طرف‌های مورد مناقشه با چین، گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیا-اقیانوسیه و تلاش‌ها برای کاهش رشد و اثرگذاری چین در منطقه و جهان با این کشور اختلاف دارد.

از دید آمریکا، چین به دنبال دستیابی به اهدافی است که عبارتند از:

جایگزینی چین به جای ایالات متحده به عنوان قدرت اصلی آسیا، تضعیف نظام متحدین ایالات متحده در آسیا، زیر سوال بردن اعتماد کشورهای آسیایی به اعتبار و قدرت آمریکا، استفاده از قدرت اقتصادی برای جذب کشورهای آسیایی، افزایش قابلیت‌های نظامی چین در مقابل مداخله نظامی ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی، ایجاد تردید در مدل اقتصادی آمریکا و جلوگیری از مواجهه با ایالات متحده در آینده (Blackwill & Tellis, 2015: 19). به طور کلی می‌توان اختلافات دو کشور را در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و امنیتی-نظامی تقسیم‌بندی کرد.

این مقاله در پی بررسی عمده‌ترین اختلافات چین و ایالات متحده در آسیای شرقی و نحوه تأثیرگذاری این اختلافات بر روابط دو جانبه این دو کشور است. در پاسخ به این سوال که اختلافات موجود بین چین و ایالات متحده چه تأثیری بر روابط دو کشور داشته است؟ نگارندگان معتقدند که اختلافات سیاسی، اقتصادی و امنیتی- نظامی بویژه در دوره ریاست جمهوری اوباما موجب افزایش تنش بین دو کشور در منطقه و روابط بین‌الملل شده است در این مقاله اختلافات چین و ایالات متحده در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و امنیتی، تبیین می‌شود که موجب افزایش تنش در روابط دو کشور نیز شده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

چین یکی از قدرت‌های برتر اقتصادی جهان است که روابط تجاری گسترده‌ای نیز با بسیاری از کشورهای جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران دارد. شناخت نقش و جایگاه چین در آسیای شرقی به عنوان کشوری با سریع‌ترین رشد اقتصادی در جهان که منافع بسیاری از کشورهای جهان وابسته به آنست، اهمیت دارد. موقعیت چین در نظام بین‌الملل، اهداف و منافع آن و واکنش‌های این کشور به سیاست‌های ایالات متحده، متأثر در روابط این کشور با سایر کشورهاست.

پرسش تحقیق: پرسش این تحقیق عبارت است از: اختلافات موجود بین چین و ایالات متحده چه تأثیری بر روابط دو کشور گذاشته است؟

فرضیه تحقیق: اختلافات سیاسی، اقتصادی و امنیتی- نظامی بویژه در دوره ریاست جمهوری «اوباما» موجب افزایش تنش بین دو کشور در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی شده است.

پیشینه تحقیق: آثار موجود در حوزه موضوعی این پژوهش دارای پراکندگی و عدم انسجام بسیاری است و ابعاد اختلافات موجود در روابط دو کشور را به صورت جامع بررسی نمی‌کنند و یا به تمامی ابعاد نپرداختند.

روش تحقیق: روش پژوهش در این نوشتار کیفی با رویکرد توصیفی تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای با استفاده از رجوع مستقیم به کتب و مقالات و منابع اینترنتی است.

چارچوب نظری: واقع‌گرایی انگیزشی

در این پژوهش از واقع‌گرایی انگیزشی به عنوان چارچوب نظری بهره گرفته می‌شود. واقع‌گرایی انگیزشی؛ تمام تمرکز خود را بر روی احتمال جنگ قرار می‌دهد. هرج و مرج موجود در نظام بین‌الملل را، ناشی از ساختار نظام بین‌المللی نمی‌داند، بلکه دولت‌های طمع‌کار را ضرورت ایجاد تضاد و کشمکش معرفی می‌کند. از نظر واقع‌گرایان انگیزشی، دولت‌ها دارای انگیزه‌های متفاوتی هستند و برای همه آن‌ها، بقا اولویت اول و نهایی نیست، بلکه برای برخی از دولت‌ها جاه‌طلبی و افزون‌خواهی ممکن است دارای اهمیت بیشتری باشد. راهکار انگیزشی این دسته از دولت‌ها را طمع‌کار می‌کند؛ دولت‌هایی که منافع نظام بین‌الملل را به دلایلی نامربوط با امنیت در جهت تمایل خویش مجدداً توزیع می‌کند. راهکار انگیزشی تمرکز بحث خود را در معادله امنیت بر روی دولت‌های جویای امنیت می‌گذارد. آنان در برابر دولت‌های جوینده امنیت، دولت‌های طمع‌کار را قرار می‌دهند و امنیت و بقا اولویت نخست و یا تنها دغدغه این دولت‌ها نیستند (عبداله خانی، ۱۳۹۲: ۸۶).

این راهکار، تهدید جدی دولت‌های جویای امنیت را بی‌اعتمادی می‌داند و بر این نظر است که بی‌اعتمادی این دسته از بازیگران به انگیزه‌های یکدیگر باعث ایجاد تضاد و کشمکش خواهد شد، اما بلافاصله تأکید می‌کند که اگرچه نمی‌توان بی‌اعتمادی به انگیزه‌ها را کاملاً حذف نمود، دولت‌ها امکانات وسیعی برای کاهش آن در اختیار دارند و دولت‌های جویای امنیت به علت تمایلات درونی به طور کلی قادرند یکدیگر را به عنوان جویندگان امنیت مورد شناسایی قرار دهند و از کشمکش و تضاد جلوگیری کنند (عبداله خانی، ۱۳۹۲: ۸۶-۸۷).

دولت‌ها نه تنها در مورد انگیزه‌های دیگران، بلکه در مورد قابلیت‌های و انگیزه‌های آینده خود نیز با عدم قطعیت روبه‌رو هستند. دولت‌ها نمی‌توانند بدون توجه به انگیزه‌های دیگر بازیگران حاضر، مبنی بر اینکه آنها جویای امنیت و یا طمع‌کار هستند، در مورد اهداف آینده آن‌ها مطمئن شوند (Taliaferro, 2000-2001: 145). در موقعیتی که دولت‌ها در مورد سایر دولت‌ها نامطمئن هستند، اقدامات دولت جویای امنیت، برای بازیگر طمع‌کار پر هزینه خواهد بود. این موضوع سبب کاهش عدم قطعیت توسط دولت‌ها خواهد شد (Copeland, 2000: 202).

اگرچه دولت‌های جوینده امنیت و دولت‌های طمع‌کار ممکن است که به توافق دست یابند، اما هزینه‌های توافق برای دولت‌های طمع‌کار بسیار بیشتر است. بنابراین احتمال ندارد که دولت‌های طمع‌کار توافقی را بپذیرند (Glaser, 1994-1995: 68-69). دولت طمع‌کار برای آن که سایر کشورها را گمراه سازد، این باور را ایجاد می‌کند که تنها به دنبال امنیت خود است. سپس سایر

کشورها سیاست‌هایی را مبنی بر آسیب‌پذیری خود دنبال می‌کنند که دولت طمع کار را برای رسیدن به اهداف توسعه‌طلبانه خود قادر می‌سازد (Glaser, 1994-1995: 68). کشور جویای امنیت، باید به دشمن خود و بی‌خطر بودن انگیزه‌های آن، اهمیت بدهد (Glaser, 1994-1995: 67). راهکار انگیزشی در کاهش احتمال وقوع جنگ تنها بر عامل توازن تأکید ندارد. این راهکار به عامل دفاع برای مقابله با دولت‌های طمع کار اهمیت می‌دهد و توصیه‌های آن بیشتر در برابر دولت‌های جویای امنیت صادق است. تمرکز اصلی راهکار انگیزشی بر کاهش احتمال جنگ از طریق افزایش اعتماد و کاهش نگرانی‌هاست، درحالی‌که با اتخاذ راهکار دفاعی در صورت وقوع جنگ، از آمادگی برای کاهش احتمال شکست نیز برخوردار است (عبداله خانی، ۱۳۹۲: ۸۹).

در این نوشتار پس از بررسی اختلافات میان ایالات متحده و چین، افزایش تنش‌های منطقه آسیای شرقی در نتیجه این اختلافات در چارچوب واقع‌گرایی انگیزشی بررسی می‌شود.

حوزه سیاسی

از جمله اختلافات سیاسی دو کشور که در منطقه آسیای شرقی مشهود است، حمایت چین از کره شمالی و پشتیبانی ایالات متحده از تایوان است. چین نزدیک‌ترین کشور به کره شمالی و بزرگترین ارائه دهنده غذا، سوخت و ماشین‌آلات صنعتی به این کشور است. از نظر امریکا، چین می‌تواند در زمینه‌هایی نظیر: توقف برنامه‌های موشکی بالستیک، جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای و اعمال تحریم‌های اقتصادی بر کره شمالی به امریکا کمک کند. چین همچنین با عضویت در شورای امنیت سازمان ملل و حضور در دیگر سازمان‌های بین‌المللی، در برابر کره شمالی نقش مهمی را می‌تواند ایفا کند. امریکایی‌ها همچنین نسبت به اجرای تحریم‌های سازمان ملل در مورد کره شمالی از سوی چین مشکوک هستند. اما تمایل اولیه چین، ثبات در شبه جزیره کره است که در تضاد با منافع ایالات متحده که خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی است (Nanto & Manyin, 2010: 1-2). در واقع آن چیزی که اختلافات دو کشور را در مورد کره شمالی جدی‌تر می‌سازد، تردید ایالات متحده نسبت به انگیزه چین برای حل و فصل موضوع تسلیحات هسته‌ای کره شمالی است. ایالات متحده بر این باور است که چین با حمایت از کره شمالی سعی دارد تا موقعیت ایالات متحده در منطقه را تضعیف کند و ناکارآمدی سیاست‌های این کشور در حل و فصل بحران‌های منطقه را آشکار سازد.

ایالات متحده به هر نظم "جی دو" که انحصار قدرت را بین ایالات متحده و چین محدود کند و

سایر قدرت‌ها را محروم کند، بی‌علاقه است و بر این باور است که بسیاری از کشورها در آسیا از جمله ژاپن و هند ممکن است به صفوف بازیگران فرامنطقه‌ای ملحق شوند. از طرف دیگر، ایالات متحده هرگز ساختار جدیدی از قدرت را نخواهد پذیرفت که نتیجه آن جلوگیری از اتحاد بلند مدت این کشور با بازیگران همسو با سیاست‌های خود باشد و از شکل‌گیری الگوی جدید نظم منطقه‌ای که منجر به افزایش نفوذ چین در منطقه آسیا گردد، نگران است و آن را عامل بی‌ثبات سازی منطقه آسیای شرقی می‌پندارد. ایالات متحده تلاش می‌کند تا گفت و گوهای خود را با چین به سمت راهبردهای بلند مدت و استراتژیک هدایت کند (Green, Bush & Rapp-Hooper, 2017: 21).

جدول ۱: (سهم چین و کره جنوبی از تجارت با کره شمالی (۲۰۱۵-۲۰۰۲) میلیون دلار)

2015	2014	2013	2012	2011	2010	2009	2008	2007	2006	2005	2004	2003	2002	
2714	2343	1136	1971	1714	1912	1679	1820	1798	1350	1056	697	724	642	کره جنوبی
5511	6363	6545	5931	5629	3466	1710	2787	1974	1700	1581	1377	1024	738	چین

Source: Li Tingting, "China-North Korea Trade in 2015: The Beginning of a Downturn", 2016.

از طرف دیگر نگرانی چین در مورد اقدامات ایالات متحده در زمینه فروش تسلیحات به تایوان و ایجاد تنش در منطقه است. «تیموتی کیتینگ»^۱ فرماندهی آسیا-اقیانوسیه ارتش ایالات متحده در اکتبر ۲۰۰۷ در کنفرانس روابط آمریکا-چین سه نکته را در رابطه با راهبرد چین عنوان کرد: اول، ایالات متحده به دنبال حفظ برتری نظامی فعلی خود در مقابل چین است. دوم، خواست آمریکا از طریق فروش تسلیحات این است که توازن نظامی بین تایوان و چین حفظ شود. سوم، ایالات متحده به چین اجازه نخواهد داد ثبات در تایوان را به وسیله اجبار و زور تغییر دهد (Layne, 2013: 16). چین این رویکرد ایالات متحده را گامی در جهت لطمه زدن به منافع اصلی و سنتی خود در منطقه می‌داند. چینی‌ها معتقدند که انگیزه‌های آمریکا در حمایت از تایوان در راستای کاهش تأثیرگذاری چین بر مناطق پیرامونی خود، بی‌ثبات‌سازی منطقه از طریق ایجاد رقابت تسلیحاتی و عدم پذیرش نقش چین در ثبات بخشیدن به منطقه آسیای شرقی است.

چین مفهوم امنیتی جدیدی را در منطقه آسیای شرقی دنبال می‌کند که براساس آن، ایجاد اتحاد ایالات متحده با کشورهای همسو با سیاست‌های خود را در منطقه آسیا رد می‌کند و

خواستار مدیریت امنیت آسیا به وسیله آسیایی‌هاست (Blackwill and Tellis, 2015: 14).

حوزه اقتصادی

مناسبات اقتصادی چین و آمریکا به شکل چشمگیری پس از اصلاحات اقتصادی و روند آزادسازی تجاری چین در اواخر دهه هفتاد میلادی گسترش یافت. مجموع حجم تجارت میان دو کشور از رقم دو میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ (سالی که چین اصلاحات اقتصادی خود را آغاز کرد) به رقم ۶۳۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ می‌رسد. با وجود روابط تجاری رو به رشد، روابط اقتصادی دو جانبه بسیار پیچیده شده و اغلب با تنش همراه است. از دیدگاه ایالات متحده، بسیاری از تنش‌های تجاری ناشی از انتقال ناقص چین به اقتصاد بازار آزاد است. مهمترین نگرانی‌هایی که آمریکا دارد: اجرای نسبی ناکارآمد حقوق مالکیت معنوی؛ سیاست‌های نوآورانه تبعیض‌آمیز؛ اجرای گزینشی تعهدات سازمان تجارت جهانی؛ استفاده گسترده از سیاست‌های صنعتی) مانند یارانه‌ها و موانع تجاری و سرمایه‌گذاری (برای ترویج و حمایت از صنایع داخلی چین و سیاست‌های مداخله‌گرانه برای تأثیرگذاری بر ارزش «یوآن» از جمله اقداماتی است که آمریکا آنها را خلاف قواعد تجارت آزاد می‌داند (Morrison, 2018).

جدول ۲: تجارت ایالات متحده با چین: ۱۹۸۰-۲۰۱۷

(میلیارد دلار)

سال	صادرات ایالات متحده	واردات ایالات متحده	تراز تجاری ایالات متحده
1980	8/3	1/1	7/2
1990	8/4	2/15	4/10-
2000	3/16	1/100	8/83-
2010	9/91	0/365	0/273-
2011	1/104	4/399	3/295-
2012	5/110	6/425	1/315-
2013	7/121	4/440	7/318-
2014	7/123	5/468	8/344-
2015	9/115	2/483	3/367-
2016	6/115	6/462	0/347-
2017	9/130	9/501	0/371-

Source: Wayne M. Morrison, "China-U.S. Trade Issues", 23 January 2018, p. 3.

در چارچوب روابط دو جانبه آمریکا و چین، در هم تنیدگی منافع اقتصادی دو کشور، نگرانی زیادی برای ماهیت بی‌ثبات و غیرمقابل بودن روابط تجاری و سرمایه‌گذاری با چین وجود دارد. اگر به این نگرانی‌ها از سوی چین توجه نشود، برای شرکت آمریکا در چارچوب ابتکارات حاکمیت اقتصادی، از جمله ابتکارات حاکمیت جهانی مانند G20، تضعیف می‌شود (Hart).

(Economy and Gewirtz, 2017: 47). روابط تجاری دو جانبه چین و امریکا در سال‌های اخیر بر سر شماری از موضوعات تیره شده است. موضوعاتی نظیر تراز تجاری منفی بزرگ و در حال رشد امریکا در تجارت با چین، مقاومت چین در مورد افزایش ارزش ارز خود در بازار که موجب ارزان شدن صادرات چین به سایر کشورها و گران شدن واردات چین از سایر کشورها می‌شود، تخلف از حق مالکیت معنوی ایالات متحده) از طریق فعالیت‌های سایبری (و بسیاری از سیاست‌های صنعتی چین که محدودیت‌های جدیدی بر شرکت‌های خارجی وضع کرده و یا به حمایت از شرکت‌های داخلی خود از طریق یارانه می‌پردازد. ایالات متحده در مورد سیاست‌های اقتصادی و شیوه‌های تجاری چین بدبین است و نوسانات کلان اقتصادی در اقتصاد جهانی که در نتیجه اثرات خارجی عملکردهای نوسانی اقتصاد چین است را برای اقتصاد ایالات متحده زیانبار می‌داند (Kennedy & Economy, 2017: 10). با این حال چین همواره درصدد بوده است تا ضمن حمایت از تولیدات داخلی خود و کسب منافع تجاری بیشتر در مناسبات تجاری با ایالات متحده، از انگیزه امریکا در اقدامی متقابل برای لطمه زدن به منافع تجاری خود جلوگیری کند.

نگرانی اصلی امریکا در مورد مقدار کسری تجاری ایالات متحده در تجارت با چین است. تراز منفی از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۳۴۴ میلیارد دلار در ۲۰۱۴ افزایش یافته است (Morrison, 2015B: 2). مطالعات اخیر نشان می‌دهد که بیش از یک چهارم از کاهش نیروی مشغول به کار در بخش صنعتی امریکا در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ ناشی از واردات چینی بوده است (Kennedy & Economy, 2017: 13). مداخله ارزی توسط دولت چین موجب افزایش شدید ذخایر ارزی خارجی چین شده است. برخی از آنها به عنوان دارایی مانند: اوراق بهادار امریکا به دلار در ایالات متحده سرمایه‌گذاری شده‌اند (Morrison, 2015B: 48-49).

قدرت اقتصادی رو به رشد چین از این کشور یک بازیگر بسیار مهم و با نفوذ در صحنه جهانی ساخته است که در مسائل با اهمیت برای منافع ایالات متحده، مانند همکاری‌های اقتصادی جهانی، تغییرات اقلیمی، اشاعه هسته‌ای و اقدامات کره شمالی نقشی مهم و حیاتی دارد. چین در موقعیتی است که می‌تواند هم به منافع ایالات متحده کمک و هم آن‌ها را تهدید کند (Morrison, 2015A: 43).

حوزه امنیتی - نظامی

خیزش چین موجب ایجاد چالش امنیتی برای امریکا در منطقه آسیای شرقی می‌شود. زیرا افزایش میزان قدرت چین می‌تواند به هژمونی منطقه‌ای این کشور منجر شود. در این صورت چین

می‌تواند نظم موجود در منطقه را با دگرگونی و چالش مواجه کند (Ross, 2013: 24). از دید امریکا، ظهور چین در دراز مدت، به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بر اقتصاد و امنیت ایالات متحده تأثیرگذار است. امریکا اعتقاد دارد که رشد قدرت نظامی چین باید با شفافیت بیشتری در مورد اهداف استراتژیک این کشور همراه باشد تا از ایجاد اختلاف در منطقه شود (Department of Defense, 2012: 2). چین از منابع لازم برای ایفای نقشی گسترده‌تر در تحولات امنیتی منطقه آسیای شرقی و کاهش تأثیرگذاری ایالات متحده در آن‌ها برخوردار است. افزایش هزینه‌های نظامی چین در سال‌های اخیر، امریکا را با تردیدی جدی در مورد اهداف و انگیزه‌های چین نسبت به نقش این کشور در تحولات آینده منطقه و جهان روبه رو ساخته است.

الف- نوسازی و افزایش بودجه نظامی چین

از سال ۱۹۹۸ تا کنون امریکا به مدرن‌سازی نظامی چین در راستای تقویت حضور نظامی خود در آسیای شرقی برای قدرت نمایی^۱ واکنش نشان داده است. پیرو مواجهه سال ۱۹۹۶ در تنگه تایوان، بیل کلینتون^۲ گذار راهبردی امریکا به آسیای شرقی را با منتقل کردن زیردریایی طبقه لس آنجلس از اروپا به گوام^۳ شروع کرد. ایالات متحده همچنین حضور خود را از طریق همکاری با شرکای امنیتی منطقه‌ای طی سال‌ها تقویت کرده است (Ross, 2013: 26). تداوم نوسازی نظامی سریع چین منجر به افزایش نگرانی امریکا درباره قابلیت‌های دفاعی خود و بویژه برای کشورهای همسو با سیاست‌های امریکا در منطقه یعنی ژاپن، کره جنوبی و تایوان در مقابل بسیج نیروهای چینی در آسیا-اقیانوسیه شده است (Tsai, 2013: 4). بر طبق دیدگاه امریکا، چین قدرت دریایی خود را فراتر از سرزمین‌های ساحلی خود گسترش می‌دهد. توسعه‌طلبی دریایی آرام و مداوم چین نه تنها چالشی برای برتری نیروی دریایی امریکا در آسیای شرقی و غرب اقیانوس آرام است، بلکه نیت نامعلوم چین را در قبال آینده منطقه نشان می‌دهد (De Castro, 2013: 336). از سال ۲۰۱۳، چین بیش از هر کشور دیگری کشتی‌های جدید برای به کارگیری در نیروی دریایی خود تولید کرده است (Broderick, 2015: 6).

چین بر روی ایجاد قابلیت‌های دریایی فرامرزی تمرکز بسیاری کرده است تا این کشور را به انجام عملیات‌های فرامرزی قادر سازد. پرواز موفقیت‌آمیز جت جنگنده از اولین ناو هواپیمابر این

1. Power Projection
2. Bill Clinton
3. Guam

کشور در نوامبر ۲۰۱۲، نشان‌دهنده ظرفیت‌های نظامی در حال گسترش چین است (Dormandy, 2013: 37). در سال‌های اخیر، کشتی‌های نیروی دریایی چین شروع به انجام عملیات در مناطق دور از آب‌های ساحلی خود کرده‌اند (O'Rourke, 2015: 46). در اواخر ماه نوامبر سال ۲۰۱۵، چین تأیید کرد که این کشور در حال مذاکره با جیبوتی برای ایجاد یک پایگاه نظامی در سواحل جیبوتی است (O'Rourke, 2015: 47).

اجرای برنامه نوسازی ارتش توسط چین با تغییر در محیط امنیتی آسیا و اقیانوس آرام همراه بوده است (Ian Easton, 2013: 3). برنامه نوسازی ارتش آزادی‌بخش چین، بر توسعه و گسترش موشک‌های هدایت شونده و دیگر پرتابه‌های بدون سرنشین متمرکز شده است. موشک‌های بالستیک و کروز ساخته شده توسط چین قابلیت اوج‌گیری تا جو زمین را دارند (Ian Easton, 2013: 6). در حالیکه ارتش ایالات متحده از کاهش شدید بودجه رنج می‌برد، در دو دهه گذشته ارتش چین بودجه خود را به سرعت افزایش داده است (Ian Easton, 2013: 10). واقعیت این است تا زمانی که آمریکا و چین تعاریف منافع امنیت ملی متفاوتی را دنبال می‌کنند، همکاری در زمینه مسائل جهانی منجر به حل و فصل مسائل منطقه‌ای مورد اختلاف نخواهد شد (Green, Bush & Rapp-Hooper, 2017: 25).

جدول ۱۴: ۳ کشور با بالاترین هزینه‌های نظامی در ۲۰۱۶

هزینه نظامی به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی (%)		تغییر 16% (2007)	هزینه میلیارد دلار (2016)	کشور	رتبه	
2016	2007				2016	2015
3/3	8/3	8/4-	611	ایالات متحده	1	1
[9/1]	[9/1]	118	215	چین	2	2
[3/5]	[4/3]	87	2/69	روسیه	3	4
10	5/8	20	7/63	عربستان سعودی	4	3
5/2	3/2	54	9/55	هند	5	7
3/2	3/2	8/2	7/55	فرانسه	6	5
9/1	2/2	12-	3/48	انگلستان	7	6
0/1	9/0	5/2	1/46	ژاپن	8	8
2/1	2/1	8/6	1/41	آلمان	9	9
7/2	5/2	35	8/36	کره جنوبی	10	10

۲۵۵		اختلافات میان چین و ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی ۲۰۰۹-۲۰۱۷				
5/1	6/1	16-	9/27	ایتالیا	11	11
2	8/1	29	6/24	استرالیا	12	13
3/1	5/1	18	7/23	برزیل	13	12
7/5	3/3	123	8/22	امارات متحده عربی	14	14
2/2	3/2	14	686 1	مجموع جهان		

Source: nan tian et al., "Trends in World Military Expenditure, 2016 (SIPRI Fact Sheet)", April 2017, p. 2.

ب- اختلافات سرزمینی در دریای جنوبی چین

ایالات متحده به طور مستقیم درگیر در اختلافات ارضی دریای جنوبی چین نیست، اما اختلافات دربرگیرنده بسیاری از کشورهای همسوی با سیاست های این کشور و شرکای منطقه ای است (Broderick, 2015: 1). چین اختلافاتی بر سر مالکیت بر جزایر دیاویو- سنکاکو^۱ با ژاپن در دریای شرقی چین دارد. ایالات متحده جزیره دیاویو- سنکاکو را بخشی از قلمرو ژاپن می داند و در نتیجه اعلام کرده است که بر اساس ماده پنجم معاهده همکاری های دفاعی امریکا-ژاپن از آن دفاع خواهد کرد (Broderick, 2015: 11). در این بخش به بررسی اهمیت دریای جنوبی چین، ادعاهای سرزمینی در قلمرو این دریا و احداث جزایر مصنوعی در آن پرداخته می شود.

اهمیت دریای جنوبی چین

دریای جنوبی چین مجرای مهمی برای تجارت و امنیت عمومی منطقه ای است که اهمیت اقتصادی و راهبردی آن در حال افزایش است. تنگه مالاکا در این منطقه که گذرگاهی مهم برای واردات نفت به منطقه به شمار می رود. علاوه بر تجارت، این دریا از نظر منابع ماهیگیری غنی و به طور بالقوه دارای ذخایر نفتی عظیم در زیر بستر دریاست (Broderick, 2015: 1). وجود ذخایر ماهی با ارزش و منابع هیدروکربنی بزرگ در زیر بستر دریای شرقی و جنوبی چین، مناقشات دریایی را تشدید کرده است. گزارش سازمان ملل تخمین می زند که در دریای جنوبی چین به تنهایی بیش از ۱۰ درصد از تولید شیلات جهانی موجود است. اداره اطلاعات انرژی امریکا حدود

1. The Diaoyu –Senkaku Islands

۱۱ میلیارد بشکه ذخایر نفتی و ۱۹۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گازی در دریای جنوبی چین و همچنین از یک تا دو تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی و ۲۰۰ میلیون بشکه ذخایر نفتی موجود در دریای شرقی چین برآورد کرده است (Department of Defense the United States of America, 2015: 5).

وجود منابع انرژی فراوان در دریای جنوبی چین و اختلافات گسترده بر سر مرزبندی کشورهای منطقه موجب تشدید اختلافات و رقابت گسترده در بهره‌برداری منابع موجود در آن شده است. ایالات متحده با جانبداری از سایر طرف‌های مناقشه به مخالفت با اقدامات چین در دریای جنوبی چین کرده است.

به طور کلی دریای جنوبی چین از حیث منابع انرژی موجود در زیر بستر دریا، وجود ذخایر فراوان ماهیگیری، کریدور اقتصادی منطقه برای صادرات و واردات و جنبه‌های راهبردی از اهمیت بالایی برای کشورهای منطقه برخوردار است.

ادعاهای سرزمینی در دریای جنوبی چین

اختلافات ارضی و دریایی در دریای جنوبی چین، پیرامون سه موضوع اصلی است: ادعاهای ارضی در میان مدعیان، ادعاهای دریایی در میان مدعیان و ادعاهای دریایی بیش از توسط برخی از مدعیان. با توجه به ادعاهای ارضی، شش مدعی در اختلافات دریای جنوبی چین وجود دارد، که شامل برونئی، چین، مالزی، فیلیپین، تایوان و ویتنام است. در زمینه ادعاهای ارضی، اولین اختلاف میان چین، تایوان و ویتنام بر سر حاکمیت جزایر پرسل^۱ است، که چین از سال ۱۹۷۴ آنها را تحت حاکمیت خود در آورد. دومین رقابت، میان چین، تایوان و فیلیپین بر سر صخره‌های اسکاربورو^۲ است. سومین اختلاف در جزایر اسپرتلی^۳ است. چین، تایوان و ویتنام حاکمیت تمامی جزایر اسپرتلی را ادعا می‌کنند، درحالی‌که برونئی، مالزی و فیلیپین حاکمیت بخش‌هایی از جزایر را مدعی هستند (Department of Defense, 2015: 6).

بدین ترتیب مناطق تحت مناقشه در دریای جنوبی چین شامل تعدادی جزایر و صخره هستند. دریای جنوبی چین متشکل از چهار گروه از جزایر است:

جزایر پراتاس^۴، واقع در ۲۰۰ مایلی جنوب هنگ‌کنگ که چین و تایوان مدعی حاکمیت بر

1. The Paracel Islands
2. Scarborough Reef
3. The Spratly Islands
4. The Pratas Islands

آن هستند.

جزایر پرسل نیز در بخش شمالی دریای جنوبی چین واقع شده است و توسط ویتنام، چین و تایوان مورد ادعا قرار گرفته است. چین جزایر پرسل را از ویتنام در سال ۱۹۷۴ گرفت. صخره‌های اسکاربورو در فاصله ۱۳۰ مایلی از جزیره لوزون فیلیپین است و چین، تایوان و فیلیپین مورد مدعی آن هستند.

جزایر اسپرتلی در مرکز دریای جنوبی چین است. تمام این جزایر را چین، تایوان و ویتنام ادعا شده است، اما مالزی، بروئی و فیلیپین بخش‌هایی از آن را جزء حاکمیت خود می‌دانند (Broderick, 2015: 3).

از مجموع گروه جزایر اسپرتلی، هفت جزیره تحت حاکمیت چین، بیست و نه جزیره به ویتنام، هشت جزیره به فیلیپین، پنج جزیره به مالزی و یک جزیره به تایوان تعلق دارد (Dolven, 2015: 16). با توجه به مدعیان دریایی، آنان مدعی حقوق حاکمیتی مرتبط با منابع و ادعاهای قلمرویی بر نواحی دریایی واقع شده در دریای جنوبی چین را مطرح می‌کنند (Department of Defense, 2015: 8).

چین به طور گسترده‌ای فعالیت‌های نیروی دریایی خود را در دریا‌های جنوبی و شرقی چین گسترش داده است. چین برای پیشبرد ادعاهای دریایی خود، رزمایش‌های دریایی متعددی را در منطقه انجام می‌دهد. طرح تأسیس پایگاه زیردریایی عظیم توسط چین در جزیره هاینان که موقعیت این ناوگان دریایی در نزدیکی نواحی مورد مناقشه است، یکی از اقدامات چین برای حفظ کنترل بیشتر بر نواحی تحت حاکمیت خود در دریای جنوبی چین است (De Castro, 2013: 340-341).

اگرچه مناطق مورد مناقشه در دریا‌های جنوبی و شرقی چین ممکن است منافع امنیت ملی چین را تهدید کند، امریکا نگران است که این اقدامات به طور مستقیم منافع ملی امریکا را در منطقه آسیا از دو جهت چالش برانگیز شود: اول؛ اقدامات چین تعهد امریکا به امنیت کشورهای همسوی با سیاست‌های خود در منطقه آسیا را تضعیف می‌کند.

دوم، استفاده چین از قدرت نظامی در دریای جنوبی چین از دیدگاه ایالات متحده، استراتژی تعامل امریکا نسبت به چین را که از سال ۱۹۷۱ تا کنون در جریان بوده است و همچنین ثبات در منطقه آسیا-اقیانوسیه را با چالش همراه می‌سازد و می‌تواند امنیت و آزادی ناوبری را در پرفت و آمدترین خطوط دریایی جهان تهدید کند (Green, Bush & Rapp-Hooper, 2017: 22). ایالات

متحدۀ امریکا با بهانه درگیر بودن کشورهای همسو با سیاست‌های این کشور در مناقشات سرزمینی در دریای جنوبی چین، به گسترش حضور نظامی خود در دریای جنوبی چین اقدام کرده است.

ساخت جزایر مصنوعی در دریای جنوبی چین

کشورهای متعددی در سراسر جهان، به عنوان بخشی از فعالیت‌های احیای زمین‌های خود، جزایر مصنوعی در بنادر و آب‌های نزدیک به سواحل سرزمین اصلی طبیعی خود ساخته‌اند. برخی از بزرگترین این جزایر مصنوعی توسط ژاپن ساخته شده است. در اسپرتلی، تمام مدعیان به جز برونی فرآیند احیا را در بخش‌های تحت کنترل خود انجام داده‌اند، هر چند ناظران و مقامات دولتی ایالات متحدۀ استدلال می‌کنند که فعالیت‌های چین بسیار گسترده‌تر از سایر کشورهاست (Dolven, 2015: 20).

امریکا احتمال می‌دهد که چین در تلاش برای ایجاد حاکمیت بیشتر بر مناطق مورد مناقشه باشد. به طور خاص، نگرانی امریکا این است که چین سعی در ایجاد منطقه دفاع هوایی در دریای جنوبی چین دارد، بسیار شبیه به آنچه که در سال ۲۰۱۳ در دریای شرقی چین اعلام کرد. امریکا معتقد است که چین با امتناع از مذاکره بر سر مناطق مورد مناقشه به صورت چندجانبه، به دنبال حفظ قلمرو مدعی خود است (Broderick, 2015: 4).

در مجموعه جزایر اسپرتلی، حداقل سه صخره دریایی هیوز^۱، جانسون جنوبی^۲ و میسچف^۳ در محدوده ۲۰۰ مایل دریایی منطقه انحصاری اقتصادی قرار دارند (Dolven, 2015: 1). بر طبق ادعای امریکایی‌ها بنا بر عکس‌های ماهواره‌ای از جزایر تحت کنترل چین در دریای جنوبی چین، امکاناتی نظیر پادگان^۴، توپخانه و سیستم‌های ضد سطح و ضد هوایی، تجهیزات ارتباطی، رادارها، باند هواپیما و بالگرد، انبارهای سوخت و اسکله در این جزایر مستقر است. سه هزار متر باند هواپیما در جزیره صلیب آتشین^۵، گسترش محدوده عملیاتی چین را دنبال می‌کند (Dolven, 2015: 9). چین همچنین به ساخت اسکله‌ها، برج رادار، فرودگاه و امکانات دیگر اقدام کرده است. بر طبق گزارش‌ها، مقامات رسمی وزارت دفاع امریکا در یکی از جزایر مصنوعی حمل

1. Hughes Reef
2. Johnson South Reef
3. Mischief Reef
4. Garrison
5. Fiery Cross Reef

کننده توپخانه^۱ را شناسایی کرده‌اند. ایالات متحده به اقدامات چین نظیر گشت‌های گسترده‌تر توسط نیروی دریایی و دیگر کشتی‌های چینی، انسداد برخی از نواحی مورد مناقشه توسط نیروی دریایی چین، اعلام ممنوعیت ماهیگیری، اکتشاف انرژی در آب‌های مورد مناقشه و در حال حاضر احیا و بهبود زیرساخت‌ها در چندین جزیره تحت کنترل چین به عنوان موارد چالش برانگیز اشاره می‌کند (Dolven, 2015: 1).

چین با ساخت جزایر مصنوعی در دریای جنوبی خود منجر به یکی از بزرگترین تنش‌ها بین ایالات متحده و چین شده است. از دلایل اهمیت این جزایر موقعیت راهبردی آن به عنوان پایگاه نظامی است که به وسیله آن، چین می‌تواند ناوگان مستقر شده نیروی دریایی ایالات متحده را در آب‌های منطقه به چالش بکشد.

رشد تنش‌ها میان چین و ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی

چین دخالت امریکا را در مناقشات دریایی تحریک آمیز قلمداد می‌کند و آن را بر خلاف مصالح امنیت ملی خود در نظر می‌گیرد (Gupta, 2014: 111).

از دید امریکا امروز چین توازن راهبردی را در زنجیره جزایر اسپرتلی از طریق ایجاد امکانات نظامی با تحت شعاع قرار دادن پادگان‌ها و تجهیزات نظامی ویتنام، فیلیپین و مالزی تغییر داده است (McDevitt, 2016: 45).

با توجه به موضوع دریای شرقی چین، هواپیماها و کشتی‌های جنگی چینی به شدت در حال گشت زنی در منطقه پیرامون جزایر مورد مناقشه هستند. به نظر می‌رسد که توسعه و گسترش نیروهای دریایی چین پاسخی به احساس احاطه شدن این کشور به وسیله امریکا و کشورهای همسایه با سیاست‌های این کشور در منطقه آسیای شرقی باشد (Gupta, 2014: 108).

اقدامات ایالات متحده در قبال تحرکات چین در دریای جنوبی آن و پاسخ متقابل چین به این اقدامات از جمله تنش‌های نظامی - امنیتی دو کشور در منطقه آسیای شرقی بوده است.

الف - افزایش تنش نظامی در دریای جنوبی و شرقی چین

مهمترین موارد حضور نظامی امریکا در منطقه را می‌توان چنین بیان کرد:

استقرار جدید نیروها در استرالیا، استقرار جدید نیروی دریایی در سنگاپور، ایجاد زمینه‌های جدید برای همکاری نظامی با فیلیپین؛

با وجود کاهش سطح کلی هزینه‌های دفاعی ایالات متحده، حضور نظامی این کشور در شرق آسیا تقویت می‌شود. این حضور نظامی با توزیع گسترده‌تر در منطقه، منعطف‌تر و از نظر سیاسی، پایدارتر خواهد بود (Manyin, 2012: 1).

ایالات متحده به مناقشات سرزمینی در دریای جنوبی چین توجه خاصی نشان می‌دهد این کشور تصور می‌کند که چین قصد دارد با در اختیار گرفتن دریای جنوبی چین، آمریکا را از این منطقه عقب براند. آمریکا به مناقشات موجود در دریای جنوبی چین با استفاده از طیف وسیعی از ابزارهای سیاسی پاسخ داده است، از جمله:

* آمریکا مدعی آزادی ناوبری در دریای جنوبی چین است؛

* انجام عملیات آزادی ناوبری توسط آمریکا برای به چالش کشیدن ادعاهای سرزمینی چین و آن دسته از ادعاها که بنا بر نظر آمریکا مغایر با حقوق بین‌الملل است؛

* کار با کشورهای همفکر مانند ژاپن و استرالیا برای ایجاد ظرفیت‌های هوایی و دریایی تا کشورهای تحت تأثیر مناقشات، فضای هوایی و دریایی خود را بهتر نظارت کنند؛

* درخواست از همه اطراف برای حل و فصل مناقشات به صورت صلح‌آمیز و مطابق با حقوق

بین‌الملل مربوطه؛

* درخواست برای اتخاذ برنامه‌ای واقعی برای طرف‌های مناقشه.

گسترش حضور نظامی ایالات متحده در آب‌ها و حریم هوایی دریای جنوبی چین، چالش‌های بیشتری را برای ادعاهای ارضی چین ایجاد کرده است (Revere, 2016: 8).

رویکرد چین در دریای جنوبی نشان دهنده منافع این کشور در توسعه عمق استراتژیک بیشتر در محیط دریایی پیرامونی خود است (Green, 2016: 15). چین با تحت کنترل درآوردن تخته سنگ‌های اسکابرو از فیلیپین در ژوئن ۲۰۱۲، موجب افزایش نگرانی‌های فیلیپین از نیت چین در دریای جنوبی شد. فیلیپین تصور می‌کند که چین با اجبار قصد دارد تا از منابع شیلات و هیدرو کربن مناطق مورد مناقشه بهره‌برداری کند. تنها میدان گازی عمده‌ای که توسط فیلیپین مورد استخراج قرار می‌گیرد، تا سال ۲۰۲۴ به اتمام می‌رسد و از این رو منابع موجود در دریای جنوبی چین برای این کشور بسیار حائز اهمیت است. احیای جزایر در دریای جنوبی توسط چین برای فیلیپین نگران‌کننده است. باند فرودگاه احداث شده در جزیره فایری کراس^۱ قابلیت فرود هر نوع هواپیمای ارتش چین را دارد. همچنین احداث باندهای فرود در جزیره سوبی و جزیره میسچف

نیز سبب نگرانی مضاعف فلیپین شده است. چین همچنین امکانات بندری و زیرساخت‌های نظامی را در هفت جزیره خود گسترش داده و مقامات فلیپینی اظهار می‌کنند که تخته سنگ‌های میسجف که نزدیکترین فاصله را به خاک فلیپین دارد، هم اکنون فعال‌ترین پایگاه چینی‌ها در اسپرتلی است. شمار پرسنل نیروی دریایی و شبه نظامی چینی در اسپرتلی به سرعت در حال رشد است (Green, 2016: 74).

از سال ۲۰۰۹ که چین، طرح ناین دس لاین^۱ دریایی را به سازمان ملل متحد ارائه و کنترل خود را بر بیشتر نواحی دریای جنوبی چین اعلام کرد، ویتنام حوزه دریایی را به عنوان چالش امنیتی مهم خود تلقی کرده است. در سال ۱۹۸۸، چین بعد از درگیری مختصری که در آن ۷۰ تفرنگدار ویتنامی کشته شدند، تخته سنگ‌های جنوبی جانسون را از ویتنام گرفت. در سال‌های اخیر، مقامات چینی دستگیری ماهیگیران ویتنامی را بویژه در اطراف جزایر پرسل، به جرم ماهیگیری غیرقانونی در خاک چین اعلام کرده‌اند. در ماه مه ۲۰۱۴، یک شرکت چینی دولتی، دکل اکتشاف نفت هاییانگ شی یو^۲ را در بین جزایر پرسل و سواحل ویتنام مستقر کرد که هانوی این استقرار را در منطقه انحصاری اقتصادی خود اعلام کرد. استقرار این دکل به یکی از بزرگترین اختلافات بین ویتنام و چین در سال‌های اخیر است (Green, 2016: 106).

در بحث دیپلماتیک، چین دخالت آمریکا را در مناقشات دریایی به عنوان تحریکی مستقیم در نظر می‌گیرد (Gupta, 2014: 111). از دید آمریکا امروز چین توازن راهبردی را در زنجیره جزایر اسپرتلی از طریق ایجاد امکانات نظامی با تحت شعاع قرار دادن پادگان‌ها و تجهیزات نظامی ویتنام، فلیپین و مالزی تغییر داده است (McDevitt, 2016: 45). پروازهای شناسایی ایالات متحده در حریم هوایی مورد مناقشه بین کشورهای منطقه، منبع تنش میان ایالات متحده و چین است. یکی دیگر از فعالیت‌های معمول صورت گرفته به وسیله آمریکا آزادی ناوبری است. در این عملیات نیروهای نظامی آمریکا از فضای هوایی و دریایی ادعا شده توسط کشورهای مدعی عبور کرده و این ادعاها را به رسمیت نمی‌شناسد. کشتی یو.اس.اس لاسن^۳ متعلق به نیروی دریایی آمریکا در چارچوب عملیات آزادی ناوبری در نوامبر ۲۰۱۵ در اطراف تخته سنگ‌های رسوبی در جزایر اسپرتلی که چین ادعای حاکمیت بر آن را دارد، به گشت زنی پرداخت (Green, 2016: 43).

بهبود قابلیت‌های نظامی چین از جمله قابلیت‌های ضد دسترسی - عدم پذیرش منطقه‌ای توجه

1. Nine-Dash Line
2. Haiyang Shiyou oil Exploration Rig
3. The U.S. Navy Ship USS Lassen

امریکا را بسیار جلب کرده است. بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای چین سال‌ها در حال پیاده‌سازی بوده‌اند و به نظر می‌رسد که قابلیت‌های نظامی امریکا را هدف گرفته‌اند (Saunders, 2013: 13). با توجه به موضوع دریای شرقی چین، هواپیماها و کشتی‌های جنگی چینی به شدت در حال گشت‌زنی در منطقه پیرامون جزایر مورد مناقشه هستند. به نظر می‌رسد که توسعه و گسترش نیروهای دریایی توسط چین پاسخی به احساس احاطه شدن این کشور توسط امریکا و کشورهای همسایه با سیاست‌های این کشور در منطقه آسیای شرقی است (Gupta, 2014: 108).

به طور کلی افزایش خرید تسلیحات توسط کشورهای منطقه، توسعه نیروی دریایی در بین کشورهای منطقه، حضور و گشت‌زنی بیشتر نیروی دریایی کشورهای امریکا، چین و ژاپن، افزایش شمار مانورهای نظامی، توقیف قایق‌های ماهیگیری کشورهای دیگر و جزیره‌سازی توسط چین و تعدادی از کشورهای منطقه سبب امنیتی شدن مناقشات دریایی شده است.

ب- اقدامات چین برای جلوگیری از گسترش نفوذ امریکا در آسیای شرقی

برخلاف تحریم‌های امریکا، چین به طور قابل توجهی به تقویت روابط اقتصادی و سیاسی با کره شمالی پرداخته است. سرمایه‌گذاری چین در استخراج معادن کره شمالی، زیرساخت‌ها و واردات منابع معدنی کره شمالی از سال ۲۰۰۹ افزایش چشمگیری یافته است (Ross, 2013: 33). در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ چین با اتخاذ اقداماتی به تضعیف موازنه نظامی امریکا مبادرت داشته از جمله: تعمیق وابستگی اقتصادی کشورهای منطقه به چین، اقدام به جلوگیری از توسعه منابع در مناطق مورد مناقشه توسط سایر کشورها، پرهیز از مواجهه مستقیم با ایالات متحده و در عین حال مداومت ورزیدن به توسعه قدرت دریایی خود در این زمینه قابل ذکر است (De Castro, 2013: 332).

از نگاه امریکا، چین اقدامات فوق‌العاده‌ای را برای نشان دادن قدرت خود در بخش‌های مورد مناقشه در دریای جنوبی چین انجام داده است. اقداماتی از قبیل: استفاده از کشتی‌های امنیتی دریایی برای فشار به دیگر کشورهای مدعی تا به حق حاکمیتی چین در مناطق مورد مناقشه احترام بگذارند، بهره‌برداری از منابع دریایی، ایجاد ساختار مدیریتی چند وجهی برای اداره مناطق مورد مناقشه و جلوگیری از اتخاذ موضع واحد آسه‌آن در موضوع مناقشات است (De Castro, 2013: 344). چین معتقد است که اهداف سیاست خارجی خود را تغییر نداده است و در عوض کشورهای دیگر به وسیله پشتیبانی امریکا، تلاش‌های بیشتری را برای به چالش کشیدن ادعاهای سرزمینی چین انجام داده‌اند تا حق حاکمیت چین را بر سرزمین‌های خود از بین ببرند. چین به طور گسترده‌ای اعلام کرده

است که هیچ اقدامی در راستای نقض آزادی مشروع ناوبری انجام نداده است و سیاست‌های خود را برای حل و فصل کردن مناقشات ارضی از طریق گفتگوهای صلح‌آمیز به منظور بهره‌برداری مشترک از منابع دریایی در مناطق مورد مناقشه دنبال می‌کند. چین اعلام کرده است که مناقشات سرزمینی باید از طریق گفتگوهای دوجانبه با طرف‌های مورد مناقشه حل و فصل شود و از امریکا درخواست کرده است که از مداخله در مناقشات و جانبداری از طرف‌های مورد مناقشه خودداری کند. اما امریکا به دنبال حل مناقشات در سازمان‌های منطقه‌ای است، زیرا اعتقاد دارد که به دلیل قدرت چین، این کشور در مذاکره دوجانبه می‌تواند کشورهای طرف مناقشه را تحت فشار قرار دهد. چین همچنین به مفهوم نبرد دریایی- هوایی امریکا اعتراض داشته که به منظور ناکارآمد کردن راهبرد ضد دسترسی چین در نظر گرفته شده است (Saunders, 2013: 10-11).

چین خواهان شکل‌گیری نظم سیاسی و امنیتی جدیدی در آسیا بر مبنای داشتن حق برابر با امریکا در زمینه مسائل منطقه‌ای است (Bendini, 2016: 17). چین سیاست جدید امریکا را به عنوان تلاشی جامع برای جلوگیری از افزایش قدرت خود تعبیر کرده است (Gupta and Shrivastav, 2014: 22). رویکرد چندجانبه‌گرایانه چین در سال‌های اخیر برای مقابله با اقدامات ایالات متحده قابل توجه است. بانک زیرساخت سرمایه‌گذاری آسیا می‌تواند نقطه عطفی را در رویکرد چین به سوی چندجانبه‌گرایی نشان دهد. در سال‌های اخیر، چین تجربه کار با اشکال گوناگون چندجانبه‌گرایی را داشته است. در سال ۲۰۰۱، چین سازمان منطقه‌ای همکاری شانگهای را به همراه روسیه و کشورهای آسیای مرکزی راه‌اندازی کرد که به عنوان وزنه تعادلی برای چین در قبال ناتو در نظر گرفته می‌شود. در سال ۲۰۰۹، پکن به انجمن بریک (با حضور شورهای چین، روسیه، هند، برزیل و افریقای جنوبی) به آن پیوست که با هدف گسترش نظم چند قطبی چین نیز به آنها ملحق شد (Renard, 2015: 3).

به طور کلی چین با رویکرد چندجانبه‌گرایی، نهادسازی در منطقه، گسترش همکاری‌ها با کشورهای منطقه و افزایش حضور نظامی در مناطق تحت مناقشه به دنبال کمرنگ کردن سیاست‌های امریکا در منطقه است.

پ- بازدارندگی دفاعی چین در مقابل امریکا در منطقه

چین به سرعت در حال توسعه ظرفیت نیروهای مسلح برای پیشبرد منافع خود در منطقه است. سرعت و دامنه اقدامات نظامی چین، این باور را برای امریکا به وجود آورده است که هدف نهایی

چین، رسیدن به سلطه نظامی در منطقه و جایگزینی با ایالات متحده در شرق آسیا است. رشد دو رقمی بودجه دفاعی چین، به دست آوردن سیستم‌های پیچیده، توسعه نیروی دریایی و تمرکز چین بر راهبرد ضد دسترسی و ممانعت ناحیه‌ای نشان دهنده تمرکز بیش از پیش چین در حوزه نظامی است. توجه چین به ارتشی مدرن‌تر نشان‌دهنده خواست این کشور به دفاع از قلمرو، اقتدار و منافع خود است. چین به بازیگری برجسته، در صحنه جهانی تبدیل شده است و برای دفاع از منافع خود به سمت ابزارهای نوین روی آورده است (Revere, 2016: 7).

راهبرد ضد دسترسی و ممانعت ناحیه‌ای به معنای اجازه ندادن به دشمن برای نزدیک شدن به مرزهای سرزمینی و جلوگیری از انجام عملیات در نزدیکی مرزهای چین است. برای این راهبرد چین به نصب و به کارگیری مجموعه‌ای از موشک‌های بالستیک بین قاره‌ای^۱، موشک‌های بالستیک میان برد^۲ و هواپیماهای بلندبرد اقدام کرده است. دو خط راهبردی در این راستا تعریف شده‌اند: اولین زنجیره؛ جزایر در امتداد ساسبو^۳ - اوکیناوا^۴ - تایوان - فیلیپین - ساراواک^۵ در محدوده دریای شرقی چین و دریای جنوبی چین است. زنجیره دوم؛ جزایر در امتداد یوکوسوکا^۶ - گوام - پاپو - گینه نو^۷ که در غرب اقیانوس آرام و دریای فیلیپین است. هدف راهبرد ضد مداخله چین، جلوگیری از دسترسی آمریکا و کشورهای همسایه با سیاست‌های این کشور در منطقه آسیای شرقی به زنجیره اول جزایر است (Singh, 2014: 115).

پیشرفت‌های قابل ملاحظه در فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه‌ها، کسب اطلاعات، نظارت و شناسایی، قابلیت‌های ارتش چین را در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده بیشتر می‌شود. همچنین چین در قابلیت‌های حملات و به دست آوردن اطلاعات در فضای مجازی سرمایه‌گذاری شده است. آمریکایی‌ها این احتمال را قابل بررسی می‌دانند که همانطور که چین همچنان به توسعه توانمندی‌های مجازی خود ادامه می‌دهد، بکوشد تا در شبکه‌های نظامی ایالات متحده اختلال ایجاد کند (Green, 2016: 16).

ت- راهبردی شدن کنش‌های اقتصادی

چین فعالانه در حال ایجاد توافقنامه‌های جدید تجارت آزاد با بیشتر همسایگان آسیایی خود

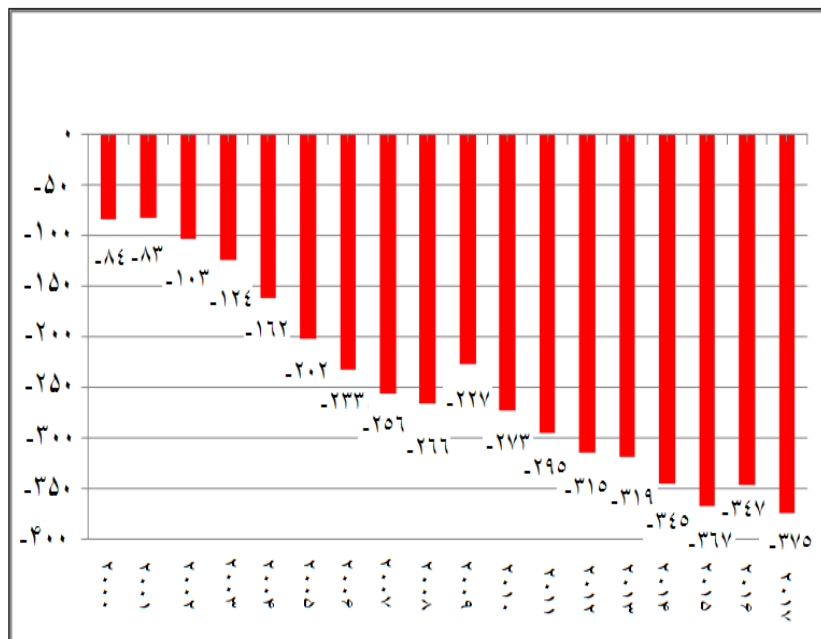
1. Intercontinental Ballistic Missiles(ICBM)
2. Intermediate Range Ballistic Missiles(IRBM)
3. Sasebo
4. Okinawa
5. Sarawak
6. Yokosuka
7. Papua -New Guinea

بوده است. دولت چین به مدت طولانی در تلاش برای کاهش بی‌اعتمادی همسایگان خود و ایجاد روابط نزدیک با آنهاست و به لحاظ سیاسی با ارائه منافع اقتصادی به آنها از طریق طرح موافقتنامه های تجارت آزاد در این راستا گام برمی‌دارد. به غیر از دستور کار توافقنامه تجارت آزاد، چین از طریق استفاده از منابع پولی خود نیز برای جذب کشورهای «آ.سه.آن» اقدام کرده است. در نوامبر ۲۰۱۱، ون جیابائو^۱ نخست وزیر وقت چین، بسته‌ای به ارزش ۱۰ میلیارد دلار برای تبادلات بیشتر در حوزه فناوری به کشورهای «آ.سه.آن» ارائه کرد (Wen, 2012: 6-8).

شی جین پینگ در تعامل خود با رهبران «آ.سه.آن» در اکتبر ۲۰۱۳، طرح‌های مهم اقتصادی از جمله ایجاد بانک توسعه زیرساخت آسیایی^۲ و توافق مبادله ارزی بین بانک‌های مرکزی چین و اندونزی به ارزش ۱۶٫۳ میلیارد دلار اعلام کرد. اقدام دیگر چین استفاده از واحد پول یوآن به جای دلار در مبادلات تجاری خود با سایر کشورهاست. چین به سرمایه‌گذاران سنگاپوری اجازه داده تا با استفاده از یوآن تجارت دو کشور بهتر شود. این تحولات نشان می‌دهد که چین به طور پیوسته به سوی بین‌المللی ساختن ارز خود حرکت می‌کند (Gupta, 2014: 110). بانک توسعه^۳ و بانک صادرات و واردات چین وام‌های بیشتری به منطقه آسیا و اقیانوسیه نسبت به بانک جهانی و بانک توسعه آسیا پرداخت کرده است (Hearn & Myers, 2015: 4).

ایالات متحده اختلاف نظرهایی در مورد دسترسی به بازار شرکای تجاری خود دارد اما چالش‌های این کشور با چین به دلیل گستردگی مداخله دولت چین در اقتصاد جهانی برجسته است (Kennedy & Economy, 2017: 13) چین و ایالات متحده در زمینه مناسبات تجاری دوجانبه نیز با یکدیگر اختلافات جدی دارند. امریکایی‌ها بر این باورند که تراز تجاری در تجارت با چین بیشتر به سود چینی‌ها حرکت کرده است. همچنین امریکا، چین را به سرقت مالکیت معنوی^۴ و ادا کردن شرکت‌های امریکایی برای انتقال دانش و فناوری خود به طرف چینی متهم می‌کنند. از سوی دیگر چینی‌ها معتقدند که امریکایی‌ها در زمینه‌های صنایع با فناوری برتر و حوزه نظامی نوعی تبعیض را در قبال چین نسبت به سایر کشورها در پیش گرفته‌اند و در زمینه‌های ذکر شده با چین همکاری نمی‌کنند.

1. Wen Jiabao
2. Asian Infrastructure Development Bank
3. The China Development Bank
4. Intellectual Property



شکل ۱: تراز تجاری ایالات متحده با چین (2000-2017) (میلیارد دلار)

منبع: Wayne M. Morrison, "China-U.S. Trade Issues", 2 April 2018, p. 11.

تنش‌های موجود در رقابت‌های اقتصادی بین آمریکا و چین بازتابی از دو سیستم اقتصادی است. با وجود باز شدن درهای چین به اصول اساسی بازار آزاد و سرمایه‌داری، مداخله سنگین دولت در اقتصاد به عنوان سوسیالیسم چینی موجب آن شده که آمریکا چنین اقداماتی را خلاف اصول اقتصادی خود و به عنوان رقابت ناعادلانه ببیند. دو مورد از برجسته‌ترین نمونه‌های این رقابت ژئواقتصادی فعلی را می‌تواند رقابت موافقتنامه‌های تجارت آزاد که در سراسر آسیا در حال امضا هستند و همچنین در تلاش‌های چین برای ایجاد نهادهای بین‌المللی مالی و اقتصادی جایگزین برای مقابله با نفوذ ایالات متحده مشاهده کرد (Bendini, 2016: 13-14). دولت ترامپ موانع تجاری جدیدی را به منظور جلوگیری از دستکاری و به کارگیری سیاست‌های حمایتی چین اتخاذ کرده است. سختگیری در سیاست‌های تجاری آمریکا فضای دیپلماتیک میان دو کشور را به شکل متفاوتی تحت تأثیر قرار می‌دهد و به سمت همکاری‌های محدود در سه زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری و فناوری‌های پیشرفته که اولویت بالایی برای ایالات متحده دارند، هدایت می‌کند. علی‌رغم پیشرفت‌های اولیه به منظور حصول توافق برای مذاکره میان آمریکا و چین بر سر معاهده

سرمایه‌گذاری دستیابی به نتیجه با مسیر دشواری روبه‌رو است (Kennedy & Economy, 2017: 14)، چراکه ترامپ در خصوص دولت چین را تهدید نموده است که برای کالاهای چینی که قصد ورود به بازارهای امریکا دارند، تعرفه‌های بالاتری اعمال می‌کند. در نهایت، کسری تجاری امریکا در تجارت با چین نگرانی شدیدی را برای امریکا ایجاد کرده و این کشور را برای افزایش صادرات به چین تحت فشار قرار داده است (Bendini, 2016: 6).

آینده پژوهی روابط امریکا و چین در منطقه آسیای شرقی

در زمینه آینده روابط امریکا و چین در منطقه آسیای شرقی می‌توان سناریوهای زیر را مدنظر

قرار داد:

* سناریو حفظ وضع موجود؛ این سناریو بر فرضیه تداوم وضع موجود استوار است و طیف گسترده‌ای از احتمالات را شامل می‌شود و درجه بالایی از عدم اطمینان را دربر می‌گیرد؛ یک درگیری جدی بین ایالات متحده و چین می‌تواند به آسانی و به سرعت شکل بگیرد، اما ائتلافی جدید بین این دو، به همان اندازه قابل تصور است.

* سناریوی تقابل سیاسی؛ این سناریو بر این فرض استوار است که ایالات متحده و چین در یک درگیری سیاسی همه‌جانبه شرکت دارند. حوزه‌های مختلفی از حساسیت سیاسی میان دو کشور وجود دارد که موضوعات سرزمینی مانند: تایوان؛ مسئله کره شمالی و اتحاد نظامی ایالات متحده با کره جنوبی و ژاپن؛ حمایت از مخالفان چینی از جمله این موارد هستند. تقابل سیاسی در این محیط دیپلماتیک بسیار جدی و قابل انتظار است. زیرا مناقشات سیاسی بسیار گسترده است و به آسانی می‌تواند به سایر زمینه‌ها از جمله اقتصادی و حتی نظامی تسری یابد.

* سناریو تنش نظامی؛ این سناریو بیان می‌کند که هر دو کشور به طور گسترده‌ای در بخش نظامی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که بخش عمده‌ای از آن بر قابلیت‌های سایبری متکی است. این افزایش منجر به تحریک دو کشور به دشمنی گسترده و آشکار نسبت به یکدیگر می‌شود. اگر چه ممکن است که درگیری نظامی به طور موقت افکار عمومی را از توجه به مشکلات داخلی در دو کشور منحرف کند، اما هر دو طرف از تبعات مخرب یک درگیری نظامی گسترده آگاه‌اند. در نتیجه دو قدرت نظامی راغب به درگیری نظامی محدود به منظور نمایش قدرت هستند.

* سناریوی مناقشه اقتصادی؛ این سناریو بیان می‌کند که ایالات متحده و چین در درگیری

های اقتصادی گسترده‌ای وارد می‌شوند. یک جنگ تجاری تمام عیار با اعمال تعرفه‌ها، تحریم‌ها، موانع تجاری و حتی ممکن است اختلافات در تعیین نرخ ارز، به کاهش شدید روابط تجاری بین دو کشور منجر شود. به کارگیری محدودیت‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه می‌تواند دو طرف را به سوی یافتن شرکای جایگزین برای سرمایه‌گذاری و همکاری سوق دهد. دکترین "نخست آمریکا"^۱ می‌تواند منجر به تمرکز ایالات متحده بر بازارهای داخلی شود، در حالی که چین ممکن است به شدت به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد و سرمایه‌گذاری و کمک‌های توسعه‌ای خود را به کشورهای در حال توسعه افزایش دهد.

* سناریوی جهان جی دو؛ دو کشور آمریکا و چین اختلافات اجتماعی، ایدئولوژیک، اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را حفظ می‌کنند، اما رویکرد عملی که توسط هر دو طرف دنبال می‌شود، موجب درک متقابل می‌شود که هر دو طرف می‌توانند به راحتی منافع مربوط به خود را حفظ کنند، در صورتی که در زمینه‌هایی که به رقابت مستقیم با یکدیگر منجر می‌شود، کمتر تمرکز می‌کنند. چنین رویکردی به ایالات متحده و چین فرصت می‌دهد تا بر سایر قدرت‌ها که توانایی به چالش کشیدن نظم جهانی را دارند، مانند اتحادیه اروپا، روسیه، ترکیه، هند و برزیل تمرکز کنند (Bartsch and Stanzel, 2017: 119-123).

نتیجه‌گیری

اختلافات میان چین و ایالات متحده با پیگیری سیاست‌های آسیایی اوباما به تنش‌های جدی در روابط دو کشور در منطقه آسیای شرقی منجر شد. ایالات متحده با تردید در مورد این مسأله که چین با وجود عدم حضور دشمنی بالقوه برای این کشور در منطقه آسیای شرقی است، هزینه‌های عظیمی به بخش نظامی خود اختصاص می‌دهد که در راستای زیر سوال بردن تحرکات نظامی چین در دریای جنوبی چین است. این اقدامات در بعضی موارد با پاسخ متقابل چین نظیر توقیف زیردریایی بدون سرنشین آمریکا، محاصره رزم ناوهای آمریکایی در دریای جنوبی چین و رهگیری جت‌های جنگنده آمریکایی به دست نیروی هوایی چین همراه بود.

نظامی‌گری در منطقه با رشد چشمگیری در این دوره همراه بود. بازنگری در قراردادهای نظامی ایالات متحده و کشورهای همسایه با سیاست‌های این کشور، گسترش رزمایش‌های نظامی، افزایش خرید تسلیحات توسط کشورهای منطقه آسیای شرقی و اتخاذ راهبردهای نظامی رقیب

توسط ایالات متحده و چین از جمله مواردی هستند که در این راستا است. افزایش تعاملات اقتصادی ایالات متحده با منطقه به منظور کاهش وابستگی کشورهای جنوب شرقی آسیا به چین صورت پذیرفت. با این حال این تعاملات اقتصادی پس از خروج ایالات متحده از شراکت فراسفیک به دستور دانلد جی ترامپ^۱ با کاستی روبه رو شد. با توجه به در پیش گرفتن رویکرد همکاری محدود از سوی ایالات متحده در قبال چین این کشور قصد دارد تا اقداماتی را بدون هیچ تغییرات صریح قانونی به منظور افزایش موانع برای سرمایه‌گذاری چینی‌ها اتخاذ کند که امنیت ملی امریکا، منافع مصرف‌کنندگان و شرکت‌های تجاری این کشور آسیب نیند. قدم مهمی که در زمینه سرمایه‌گذاری‌ها برداشته شده که بررسی مجدد پرونده‌ها توسط کمیته سرمایه‌گذاری در ایالات متحده^۲ است. این بررسی بویژه در مورد شرکت‌های چینی با پیش‌فرض عدم‌رضایت به جای موضع خنثی فعلی و نیاز به کسب اطمینان بیشتر قبل از تصویب معاملات دنبال می‌شود. همچنین این بررسی‌ها با لحاظ کردن تعریف امنیت ملی امریکا شامل امنیت اقتصادی و امنیت محیط زیست صورت می‌پذیرد (Kennedy & Economy, 2017: 15).

چین و ایالات متحده با وجود اختلافات متعدد در روابط با یکدیگر، به دلیل وابستگی متقابل اقتصادی، تلاش کرده‌اند تا از طریق گفت‌وگو به حل سوء تفاهمات در روابط دوجانبه بپردازند. هر چند که این گفتگوها با موفقیت نسبی همراه بوده است. با عنایت به نکات فوق به نظر می‌رسد که اختلافات چند بعدی دو کشور موجبات افزایش تنش در مناسبات دوجانبه را فراهم می‌کند. در این میان، تأثیر اختلافات بر روابط دو کشور از اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار بوده است.

1. Donald John Trump
2. The Committee on Foreign Investment in the United States (CFIUS)

منابع

الف - فارسی

- عبدالله خانی، علی، (۱۳۹۲)، *نظریه‌های امنیت*، چاپ دوم، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

ب- انگلیسی

- Bartsch, Bernhard & Stanzel, Angela, (2017), "Sino-US Relations in the Trump Era – a Conflict In the Making?", *Trilogue Salzburg*.
- Bendini, Roberto, (2016), "In-Depth Analysis United States - China Relations: a Complex Balance between Cooperation and Confrontation", *Directorate-General for External Policies Policy Department (European Parliament)*.
- Blackwill, Robert D. and Tellis, Ashley J, (2015), "Revising U.S. Grand Strategy Toward China", *Council on Foreign Relations*, No. 72.
- Broderick, Kelsey, (2015), "Chinese Activities in the South China Sea Implication for the American Pivot to Asia", *Project 2048 Institute*.
- Bush, Richard C., Economy, Elizabeth, & Finkelstein, David M, (2017), *Joint US-China Think Tank Project on the Future of US-China Relations: an American Perspective*, CSIS, First Published: Washington.
- Copeland Dale C, (2000), "The Constructivist Challenge to Structural Realism: a Review Essay", *International Security*, Vol. 25, No. 2.
- De Castro, Renato Cruz, (2013), "The Obama Administration's Strategic Pivot to Asia: From a Diplomatic to a Strategic Constraint of an Emergent China?", *The Korean Journal of Defense Analysis*, Vol. 25, No. 3.
- Department of Defense of the United States of America, (2012), "Sustaining U.S. Global Leadership: Priorities for 21st Century Defense", *Department of Defense of the United States of America*.
- Department of Defense of the United States of America, (2015), "Asia-Pacific Maritime Security Strategy", *Department of Defense of the United States of America*.

- Dolven, Ben et al, (2015), "Chinese Land Reclamation in the South China Sea: Implications and Policy Options", *Congressional Research Service*.
- Dormandy, Xenia, (2013), *China, The Next Chapter: President Obama's Second-Term Foreign Policy*, Chatham House: London.
- Easton, Ian, (2013), "China's Military Strategy in the Asia-Pacific: Implications for Regional Stability", *Project 2048 Institute*.
- Glaser Charles L, (1994-1995), "Realists as Optimistic: Cooperation as Self-Help", *International Security*, Vol. 19, No. 3.
- Green, Michael et al, (2016), "Asia-Pacific Rebalance 2025 Capabilities, Presence and Partnerships", *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*.
- Green, Michael J., Bush, Richard C. and Rapp-Hooper, Mira, (2017), *Asia-Pacific Security Issues in the U.S.-China Relationship*", *Joint US-China Think Tank Project on the Future of US-China Relations:an American Perspective*, CSIS,First Published:Washington.
- Gupta Rukmani, (2014), *US Pivot to Asia and China: Rhetoric, Responses and Repercussions*, Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security), Institute for Defence Studies & Analyses, First Published: New Delhi, Pentagon Press.
- Gupta, Arvind and Shrivastav, Sanjeev K., (2014), *Evolution of US Rebalancing Strategy: Implications for India*, Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security), Institute for Defense Studies & Analyses, First Published: New Delhi, Pentagon Press.
- Hart, Melanie, Economy , Elizabeth C.and Gewirtz, Paul, (2017), *Global Governance Issues in U.S.-China Relations*, *Joint US-China Think Tank Project on the Future of US-China Relations:An American Perspective*,CSIS, First Published: Washington.
- Hearn, Adrian H. and Myers, Margaret, (2015), "China and The TPP: Asia-Pacific Integration or Disintegration? (China and Latin America Report)", *The Dialogue*.
- Kennedy, Scott and Economy, Elizabeth C., (2017), *US-China Economic Relations: Toward a Genuine Win-Win Outcome*, *Joint US-China Think Tank Project on the Future of US-China Relations: An American Perspective*, CSIS, First Published: Washington.

- Layne, Christopher, (2008), "China's Challenge to US Hegemony", *Current History*.
- Li Tingting, (2016), "China-North Korea Trade in 2015: The Beginning of a Downturn", *Joint U.S.-Korea Academic Studies*.
- Manyin, Mark E. et al, (2012), "Pivot to the Pacific? The Obama Administration's "Rebalancing" Toward Asia", *Congressional Research Service*.
- McDevitt Michael A., (2016), "The South China Sea: Island Building and Evolving U.S. Policy", *Building a Regional Order in East Asia: Community, Competition, Conflict*, *National Committee on American Foreign Policy*.
- Morrison, Wayne M, (2015A), "China's Economic Rise: History, Trends, Challenges, and Implications for the United States", *Congressional Research Service*, 21 October.
- Morrison, Wayne M, (2015B), "China-U.S. Trade Issues", *Congressional Research Service*, 15 December.
- Morrison, Wayne M, (2018), "China-U.S. Trade Issues", *Congressional Research Service*, 23 January.
- Morrison, Wayne M, (2018), "China-U.S. Trade Issues", *Congressional Research Service*, 2 April.
- Nanto, Dick K. and Manyin, Mark E., (2010), "China-North Korea Relations", *Congressional Research Service*, 28 December.
- O'Rourke, Ronald, (2015), "China Naval Modernization: Implications for U.S. Navy Capabilities, Background and Issues for Congress", *Congressional Research Service*, 21 December.
- Renard, Thomas, (2015), "the Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB): China's new multilateralism and the erosion of the West (Security Policy Brief)", *Egmont Royal Institute for International Relations*, No. 63.
- Revere, Evans J.R, (2016), *U.S. Policy and East Asian Security: Challenge and Response (Building a Regional Order in East Asia: Community, Competition, Conflict)*, National Committee on American Foreign Policy, First Published: New York.

- Ross, Robert S., (2013), “US Grand Strategy, the Rise of China, and US National Security Strategy for East Asia”, *Strategic Studies Quarterly*.
- Saunders, Phillip C., (2013), “The Rebalance to Asia: U.S.-China Relations and Regional Security”, *Saunders*, No. 281.
- Singh, Mandip, (2014), *Chinese Military Response to US Rebalancing Strategy*, Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security), Institute for Defence Studies & Analyses, First Published: New Delhi, Pentagon Press.
- Taliaferro Jeffrey W, (2000-2001), “Security Seeking under Anarchy (Defensive Realism Revisited)”, *International Security*, Vol. 25, No. 3.
- Tian, Nan et al., (2017), “Trends in World Military Expenditure, 2016 SIPRI Fact Sheet)”, *SIPRI*.
- Tsai, Sabrina, (2013), “Obama’s Second Term in the Asia-Pacific Region Reflecting on the Past, Looking to the Future”, *Project 2049 Institute*.
- Wen, Jin Yuan, (2012), “The Trans-Pacific Partnership and China’s Corresponding Strategies”, *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*.

